استعمال شبه مَجاز کلمه آگاهی در هوش پایه‌محور

آنچه که عرض من بود، این بود که ما باید قدرت نمادار را تشخیص بدهیم. مطلب قبل را برای این گفتم که اگر هوش نمادین می‌گویی‌م، معنای خاص خودش را دارد. الآن که نماد می‌گویی‌م و می‌خواه‌م برای فهم مطالب بعدی مبادی قرار بدهم، با آن متفاوت است.

نکته‌ای هم از پایان جلسه قبل یادم آمد که آن آقا فرمایشی فرمودند و پیرامون آگاهی پایه‌محور و معنادار بودن در پایه‌محور بحث شد، که آیا این مَجاز است یا حقیقت است؟ اگر برای یک «من» پایه‌محوری که هیچ عقل‌انیت و درک و نفس و دل و ذهن ندارد، خودآگاهی و آگاهی می‌گویی‌م، مَجاز است یا مشترک لفظی است؟ این‌طور که به ذهن من می‌آید، نه اشتراک لفظی است و نه مَجاز است، بلکه شبه مجاز است. نظیر آن را در اصول می‌گویند؛ در بحث صحیح و اعم، به نماز فاسد، نماز می‌گفتیم؛ اصولیین بحث می‌کردند و صحیحیه می‌گفتند اگر به نماز فاسد، نماز بگویی‌د، مَجاز گفته‌ای. چرا؟ چون نماز، برای نماز صحیح وضع شده است و شما به نماز فاسد، نماز می‌گویی‌د! لذا مجاز است. اعمیه می‌گفتند آن هم نماز هست، ولی فاسد است. هر دو هم ادعای تبادر می‌کردند و می‌گفتند العرف ببابک. مگر تبادر، علامت حقیقت نیست؟! هر دو طایفه، ادعای تبادر می‌کردند. پس معلوم می‌شود که اگر نماز را در فاسد هم استعمال کردی‌م، آن مجاز قوی‌ای که می‌گفتند نیست. چون هر دو دسته علما، می‌گویند حقیقت است. اسم آن را شبه مجاز می‌گذاری‌م. حال تحلیل آن چیست؟ شاید حدود پنج-شش ماه شد؛ بحث صحیح و اعم مباحث الاصول را هم همین‌جا مباحثه کردی‌م که چه باید بگویی‌م.

شاگرد۵: وجود اشاری هم همین است؟

استاد: آن، یک نوعش است که با آن هم کار داری‌م. یعنی آیا نماز فاسد را به آن طبیعت توصیف می‌کنی‌م یا به وسیله آن طبیعت، به فرد فاسد، بالمناسبة، اشاره می‌کنی‌م؟ در بحث صحیح و اعم، وجوه آن را مفصل بحث کردی‌م.

علی ای حال، این هم معلوم باشد که وقتی الفاظ را به کار می‌بری‌م، خالصه، مَجاز نیست و اشتراک لفظی هم نیست. یک کاربردی است که در یک حدی، وقتی مقصود روشن است، به نماز فاسد هم نماز می‌گویی‌م. اینجا هم که هوش پایه‌محور می‌گویی‌م، مثل نماز است. هوش پایه‌محور یعنی چه؟ یعنی هوشی که من فهم دارد، من عقل دارد، من ذهن دارد، من احساسات ذهنی دارد؛ این‌ها را ندارد، اما رفتارش و کارکردش معنادار است و با هر کجا از جزء لایتجزای پیکره آن تماس بگیری‌د، کل، خبردار می‌شوند؛ آگاهی به این صورت شد. آگاهی به چه معنا؟ گفتیم بستربندی زمان دارد. در معنادار بودن سه بُعد کافی بود، اما در درک و خودآگاهی پایه‌محور، چراهای از بستربندی زمان نبود. بنابراین ما یک خودآگاهی پایه‌محور و «من» پایه‌محور داری‌م؛ با همان توضیحاتی که هر کجایش چیزی شد، همه فوری مطلع می‌شوند و عرض کردم که شبیه شبکه‌های توزیع‌شده و بلاکچین (Blockchain) است که امروزه می‌گویند، که همه خبردار می‌شوند. یک نحو شبیه آن چیزی است که همه نسبت به یک عمل خبردار می‌شوند، اینجا هم نسبت به یک تأثیر و تأثر، کل پیکره این محدوده من ِپایه‌محور - که حافظه رَم این «من» را سامان داده - همه فوری مطلع می‌شوند. ما اسم این را خودآگاهی در «من» پایه‌محور گذاشتیم. عرض کردم ثمره فقهی برای آن در ذهن نبود، که شما

گفتی هست. اگر ثمرهای در ذهنتان بود، بعداً بفرمایید.

بازبینی #3
ایجاد شده 29 ژوئن 2025 14:22:44 توسط ... .
به روزرسانی شده 29 ژوئن 2025 15:27:37 توسط ... .